

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)  
علمی - پژوهشی  
سال پنجم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۸

نوایی از نای نایین  
(معرفی نسخه خطی منحصر بفرد «دیوان ملا طاهر نایینی»)  
(ص ۲۰۲-۱۸۷)

مجید سرمدی<sup>۱</sup>، علی محمد پشتدار<sup>۲</sup>، ثریا انداز (نویسنده مسئول)<sup>۳</sup>  
تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۵/۲  
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۸/۱۰

### چکیده

دیوان ملا طاهری نایینی (ف. ۱۰۱۰ ه. ق.) یکی از گنجینه‌های خطی است؛ نسخه منحصر بفردی که در کتابخانه مرکزی تبریز نگهداری میشود. این مقاله به معرفی آن نسخه و نیز شعر شاعر میپردازد و برخی تازگیها و ابداعات زبانی و بیانی او را بیان مینماید.

### کلمات کلیدی

تصحیح، نسخه، خطی، دیوان، طاهری نایینی

---

۱. دانشیار دانشگاه پیام نور کرج

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران [soriandaz@gmail.com](mailto:soriandaz@gmail.com)

## مقدمه

طاهری نایینی کیست؟ زیباییها و سبک شعری او چیست؟  
 «آنکه دایم هوس سوختن ما میکرد کاش می‌آمد و از دور تماشا میکرد»

بارها این بیت آشنا را خوانده و با آن مانوسیم، اما چقدر شاعر آن را میشناسیم؟  
 بیت مذکور، مطلع غزلی است از یک شاعر عصر صفوی، طاهری نایینی؛ کسی که دیوانش هنوز چاپ نشده و بصورت نسخه خطی منحصر بفرد در کتابخانه مرکزی تبریز حفظ و نگهداری میشود.

رواج فرهنگ ایرانی، اسلامی، استعمال وصفها و ترکیبهای تازه و بدیع، ذوق و تخیل شاعرانه و قدرت پیوند اندیشه و تخیل نشان میدهد که او شاعری است درخور توجه و معرفی، و شناساندن او و دیوانش کاری است بایسته. دیوان وی میتواند برای پژوهشهای ادبی، تاریخی و اجتماعی دیگر مفید باشد.

برای شناخت سبک و زیباییهای شعری طاهری اشعار وی چندین بار از آغاز تا انجام قرائت شد و مورد تعمق قرار گرفت. در بررسی غزلها معلوم گردید که درصد بالای غزلهایش را به استقبال اشعار حافظ سروده است. مشترکات طاهری با حافظ و خلاقیتهای استخراج گردید. برای دست یافتن به نظام زیباییشناسی شعر طاهری تمامی اشعار وی در همه قالبهای شعری و بصورت آماری بررسی شد. با توجه به ویژگیهای بیانی و مختصات فکری میتوان طاهری را یکی از پیروان سبک عراقی دانست. در دیدگاه ادبی نیز اتکای هنری شاعر بصورت آماری سنجیده شد. در دیدگاه زبانی خلاقیتهای شاعر در این زمینه استخراج گردید. در همه زمینهها مسأله بسامد مد نظر نگارنده بوده و تعیین زیباییهای ویژه شعری وی با مسأله بسامد صورت گرفته است.

طاهری در قرن دهم ظهور میکند، شعر او شعری است با ویژگیهای سبک عراقی و متأثر از شعر و نظام شعری حافظ و در عین حال دارای استقلال بلاغی.

## آشنایی با طاهری نایینی

نام شاعر در طبقات اعلام الشیعه شیخ آقا بزرگ تهرانی «میرزا محمد طاهر نایینی» (۱۳۷۲:۳۹۸) و تخلص او نیز «طاهری» است. در جنگ شماره ۲۳۲۹ فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس (۳۱/۸) نام وی «مولانا محمد طاهر نایینی» آمده است. تذکره نصرآبادی از وی با عنوان «ملا طاهری نایینی» یاد کرده است. (۲۹۶) و تذکره اثر آفرینان با عناوین «طاهر نایینی» و «ملا طاهری» (ج ۴۰)؛ تذکره شمع انجمن، تذکره سخنوران یزد و روز

روشن با عنوان «طاهری نایینی»؛ لغت نامهٔ دهخدا، آتشکدهٔ آذر، حدیقه الشعرا و ریاض الجنه با عنوان «طاهر نایینی»؛ سفینهٔ خوشگو و منتخب اللطایف با عنوان «ملا طاهر» و «طاهر نایینی»؛ گلزار ادب و تذکرهٔ سخنوران نایین با عنوان «ملا طاهر نایینی»؛ فرهنگ سخنوران با عنوان «طاهری نایینی» و «ملا طاهری» .

از تاریخ تولدش اطلاعی در دست نیست، ولی صاحب «اثرآفرینان» وفات وی را ۱۰۱۰ ق و صاحب «نتایج الافکار» اوایل ماه حادی عشر (۱۰۱۱) دانسته است .

اغلب تذکره‌ها اطلاعاتی را از یکدیگر نقل کرده‌اند. تنها چند تذکره از جمله آتشکدهٔ آذر است که دو سطر در مورد وی آورده و هیچ اشاره‌ای به زندگی وی نکرده است: «طاهر نایینی از قصبهٔ نایین از توابع اصفهان است و مطلع» آنکه دایم هوس سوختن ما میکرد / کاش می آمد و از دور تماشا میکرد» از اوست.

تمامی تذکره‌های معتبر عصری او را نایینی الاصل نوشته‌اند و صاحب تذکره «حدیقه الشعرا» آورده که طاهری تخلص به اسم میکرده است. (۱۰۹۵)

در تذکرهٔ نصرآبادی و به تبع آن در تذکره‌های دیگری چون لغتنامهٔ دهخدا، شمع انجمن، سفینهٔ خوشگو و منتخب اللطایف در مورد طاهری عینا یا به طور اجمال چنین ماجرای نقل شده است :

«ملا طاهری نایینی خوش طبع و لطیف خیال بود، اما به سبب شوخی آلودهٔ هوی و هوس بود . چنانچه مسموم شد که به یکی از خانه‌زاده‌های شاه عباس ماضی عشقی به همراه رسانیده ، او را به حجره برد. این معنی به سمع مبارک شاه رسید، او را طلب داشت. به هنگامی که به کنار بخاری نشسته بود، بعد از پرسش و جوابهای نامسموم آتشکش سرخ شده را برداشت فرمود که چون او را بوسیده خواهی بود به تلافی این را ببوس و آتشکش را بر لب و دهان او گذاشت بسوخت و به این ترتیب اعضای او را سوخت. به التماس یکی از خواص او را بخشید . غزلی که مطلعش این است از اوست که در این باب گفته:

آنکه دایم هوس سوختن ما میکرد/ کاش می آمد و از دور تماشا میکرد» (تذکرهٔ نصرآبادی: ۲۹۶)

گوپاموی او را با عنوان «ملا طاهری اصفهانی» معرفی کرده و گفته : «گرم رو طریق نکته‌دانی که دل به عشقبازی میسوخت و چراغ درد به شاهراه عشق می افروخت. کلامش یکسر سوز و گداز است و اشعارش به کمال نامرادی دمساز. اوایل ماه حادی عشر درگذشت.» (نتایج الافکار : ۴۹۳)

صبا صاحب تذکرهٔ روز روشن گفته که وی از شعرای پایتخت شاه عباس ماضی بود و میرزا جلال خواهرزاده اوست. (روز روشن، صبا : ۴۹۷)

در مورد زندگی این شاعر هیچ نکته دیگری در دست نیست. وی در یکی از قصاید خود به یکی از سفرهای خود اشاره میکند که دل‌کندن از یزد و یزدیان سخت است، ولی به عشق امام هشتم به مشهد میرود. نیز در قصیده دیگری با مطلع «صبحم از شام غم سیاهتر است تیره بختی نتیجه هنر است» اشاره میکند که سه دفتر غزل تمام کرده است: سه کتاب غزل تمام شده است لیک بالقوه‌ام نه این قدر است (۱۱/ب ۳۵)

### مشخصات ظاهری نسخه

دیوان طاهری نایینی نسخه منحصراً بفردی است موجود در کتابخانه مرکزی تبریز که به شماره ردیف ۳۰۱۷ در آن جا حفظ و نگهداری میشود. هر صفحه دارای ۱۲ سطر؛ به خط نستعلیق در ۱۳۶ برگ؛ اندازه جلد ۱۸×۹/۵؛ کاغذ هندی؛ نوع جلد: مقوا است. دیوان، تاریخ انجامه و کتابت ندارد، اما در یکی از صفحات انتهایی (برگ دوم ص ۱۲۶ قسمت پایین) مهری دیده میشود. صفحات هیچگونه شماره‌گذاری نشده و از عرف معمول رکابه‌نویسی استفاده شده است. بنظر میرسد رکابه‌ها با همان خط اما با قلم دیگری است. در چند مورد جابجایی رکابه دیده میشود و رکابه با صفحه بعد هماهنگی ندارد. همین امر نشان میدهد که افتادگیهایی در نسخه وجود دارد. چند غزل بیت مطلع ندارد و چند غزل و قصیده ناتمام مانده است.

### مختصات محتوایی نسخه

نسخه حدود ۳۰۰۰ بیت دارد؛ مشتمل بر: ۲۵۰ غزل، ۱۳ قصیده، ۲ ترجیع بند و ۳ ترکیب بند. از ۲۵۰ غزل ۱۹۰ غزل طاهری به استقبال حافظ است؛ یعنی ۷۶ درصد به اقتضای حافظ سروده شده است.

دیوان طاهری با این غزل آغاز میشود:

از جانب نگاهش باشد اگر حمایت از کشور دل و جان بیرون کنم شکایت و با غزل زیر به پایان میرسد:

اول که پا به عرصه عالم نهاد باد خاک وجود اهل محبت به باد داد زین بیشتر تحمل گردون نمیکنم سر میکنم شکایت از هر چه بادباد...

- ۹۵ درصد از غزلهای طاهری مردف است: ۷۴ درصد با ردیف فعلی؛ ۲۱ درصد با ردیف اسمی؛ ۵ درصد مردف نیست. ۸۰ درصد از قصایدش مردف است: ۵۰ درصد ردیف اسمی؛

۳۰ درصد ردیف فعلی و ۲۰ درصد مردف نیست. همه غزلها تخلص دارند و اکثرا تخلص «طاهری» و گاهی «طاهر» است

- غزلهای طاهری اکثرا عاشقانه است. مضامین دیگر به ترتیب درصد شامل: عرفان، نقد اجتماعی (درهم کوبیدن شیخ، زاهد و واعظ و مدرسه‌داران)، ستایش می و ساقی، ستایش غم، ستایش رند، موضوعات اجتماعی و مدح است:

عشق: باشدای عشق غمت روزی جاوید دلم  
 چرخ خواهد که گشاید به سرانگشت هلال  
 منت نمیکشد ز فلاطون مریض عشق  
 عرفان: منم خلاصه روحانیان که روز ازل  
 هست در مذهب ما، رد دو عالم مقبول  
 آن سوتر از دو کون بود جای طاهری  
 نقد اجتماعی:

زاهدان را چه بری نام که در مذهب ما  
 هر که آمد به در میکده‌ای مفتی شرع  
 در صومعه تا رفته از دیدن شیخ شد  
 ستایش رند:

بر رند خرابات مکن عرض تجمل  
 ای خواجه که دنیای تو چون نقش بر آبست  
 (غ/۲۲۷)

من آن رندم که در صبح ازل از جام مشتاقی  
 جام و سبوی هستی کونین بشکند  
 ستایش می و ساقی:

ساقی اگر نباشد لبریز جام نازت  
 باش مشغول به نظاره ساقی شب و روز  
 بنوش باده و فرصت شمار فصل بهار

ستایش غم:

به کوی عشق تو آن دردپرورم امروز  
 تا نشاط غم عشقت ز دلم کم نشود  
 که هر کجا المی هست در پناه من است  
 شکر غم ورد زبانم سحری نیست که نیست  
 (غ/۳۱۵) (غ/۵۱۸)

که برات ابدم لطف ازل بر تو نوشت (غ/۱۱۲)  
 آن گره‌گز ستم عشق تو در کار منست (غ/۳۲۱)  
 الماس را به پرتو بیضا چه حاجت است (غ/۲۳۱)  
 قضا برات مرا بر بلای عشق نوشت (غ/۳۳۳)  
 آنچه کفراست بر هر دو جهان دین من است (غ/۴۲۰)  
 یعنی که هست مسکن ما در دیار دوست (غ/۷۴۲)

بوالهوس نیز از این طایفه بسیار به است (غ/۲۱۲)  
 آنچه در علم حقیقت تو ندانی دانست (غ/۳۲۸)  
 ادراک بلند من چون فطرت زاهد پست (غ/۵۵۲)

کشیدم باده عشرت به یاد طاق ابرویت (غ/۶۹)  
 رندی که یافت نشأه جام و کنار دوست (غ/۴۴۳)

ته جرعه نگاهت ما را بود کفایت (غ/۳۱)  
 که جز این حرف به ما پیر خرابات نگفت (غ/۲۱۵)  
 که پیر میکده این حرف با مریدان گفت (غ/۱۰۲۳)

غم در خانه دل کوفت ولی حیف که ما پرده عافیت خود ندریدیم و برفت (غ/۱۹۶)  
 - ۱۳ قصیده با مجموع ۳۲۷ بیت وبا مضامین: مدح و منقبت رسول اکرم(ص)، مدح ائمه اطهار(ع)، نقد اجتماعی (درهم کوبیدن شیخ و زاهد و صومعه داران)، ستایش رند، شکوائیه، ستایش غم، عرفان، اجتماعی و مفاخره است. قصاید وی اغلب با تغزل آغاز میشود، مگر در برخی قصاید که در مدح و منقبت ائمه یا مرثیه است.

### مطلعهای قصایدش

رندی که یافت نشأه جام مدام را گیرد ازو مسیح ، شراب دوام را (۱۱ بیت، ص ۸۵)  
 ای در دو کون لطف تو باشد پناه ما در پیش بخششت چه نماید گناه ما (۶ بیت، ص ۹۳)  
 چرخ و انجم که دشمن جانند خبر از وصل دوستان ندهند (ص ۹۳)  
 (افتادگی دارد و مطلع ندارد)  
 تابه کی آسودگی در صحن باغ آرد مرا عشق میخوایم که در گلزار داغ آرد مرا (۹ بیت، ص ۹۴)  
 نفاذ امرونیپیش تا به حدی است که نسراید بجز توحید ارغن (۲۴ بیت، ص ۹۹)

قصیده در مدح حضرت علی(ع): (۳۱ بیت، ص ۱۰۳)

ز برق حسن تو افتاد در جهان آتش چه آتشی که ملک هم سوخت از آن آتش  
 خوش آمده است مرا طور طایران وفا که میزنند نخستین به آشیان آتش  
 خبر دهید به خورشید آتشین ترکیب که یافت از نفسم عمر جاودان، آتش  
 خیال شعله حسنت چو بگذرد در دل مرا به جای سخن ریزد از دهان، آتش...

قصیده (آغاز ندارد) در منقبت علی(ع): (۲۸ بیت)

راه منزل گم کند از تیره بختی، آفتاب گر نیارد پیش راهش چرخ، شمع رای من  
 مطلعی سرزد دگر از طبع معنی پرورم بشنو ای مرد سخن دان مطلع غرای من  
 جوهر اول بود غواص گوهرهای من عقل کل شد ناخدای کشتی دریای من  
 طبع من برد از مسیحا بازی اعجاز را میکند جان در تن شخص سخن، عیسای من  
 تا محبت شعله زد در دل، چراغ زندگی میشود روشن ز شمع جان آتش خای من...  
 کرد مسکن بر در قدر امیرالمومنین تا گذشت از هر دو عالم، همت یکتای من...

قصیده در منقبت امامان: (۳۴ بیت، ص ۱۱۳)

ز باده نیست نشاطم به بزم دار فنا از آن خوشم که نکردم خلاف امر خدا

قصیده در فواید سفر و منقبت رسول اکرم: (۵۳ بیت، ص ۱۱۵)

چون فلک باش روز و شب، سیّار یک نفس هیچ جا مگیر قرار  
بیدلان را ز غم امان ندهند/شادمانی به عاشقان ندهند (۲۴ بیت، ص ۱۰۲)

دی به عزم وطن چو بستم بار خشمگین از درم در آمد یار  
(قصیده ناتمام، ۶ بیت، ص ۱۱۷)

توفیق، تاج عشق نهاده است بر سرم من در جهان مهر و محبت سکندرم  
(۶۶ بیت، ص ۱۱۸)

صبحم از شام غم سیاهتر است تیره بختی نتیجه هنر است (۳۵ بیت، ص ۱۲۲)

نمونه‌ای از مفاخره:

قصیده ۵:

براندازم چو برقع از رخ فکر گریبان را کند معنی چو دامن ۲۴  
چو نطقم زخمه بر قانون زند چرخ به داوود سخن گوید که تن زن ۲۷  
قصیده ۱۰:

خاقان وقت خویشم و از همت بلند در ملک بی نیازی کونین قیصرم ۴۱  
خورشید آسمان فنای محبتم صد پایه از سپهر بقا نیز برترم ۴۵  
هر لحظه درّ تازه‌ای از قلزم بقا بخشد به نطق، همت طبع سخنورم ۴۷  
بر فرق پادشاه سخن، زیب و افسرم در عالم معانی چون سکه بر زرم ۴۸  
آن عیسیم به طبع که هنگام دم زدن جان دگر به قالب معنی در آورم ۴۹

- سه قطعه ترکیب بند، بدین شرح:

الف - عرفانی: ۷ بند، مجموعاً ۵۶ بیت؛ ص ۱۲۸؛ تعداد ابیات هر بند متفاوت است  
(چهار بند ۸ بیت دارد، دو بند ۹ بیت و یک بند ۶ بند دارد):

روزی که خلق کرد جهان را خدای من گویا که آفرید محبت برای من  
هر گه زکات مال محبت برون کنم صد ملک بی زوال ببخشد گدای من  
صف نعال جای دعای ملائک است در مجلسی که صدر نشین شد دعای من...  
بر هم زخم بساط وجود از اشاره ای موقوف یک نگاه تو باشد بقای من...  
جایم به زیر گنبد گردون نداده اند روح مجردم من و عرش است جای من  
زین یک دو روزه مکث، غرض شکر بندگی است ورنه درین مقام، خرد خصم زندگی است

ب- مرثیه: رثای امام حسین (ع)، ۹ بند، در مجموع ۷۲ بیت؛ ص ۱۰۵؛ تعداد ابیات در بندها متفاوت است: (سه بند ۷ بیت، سه بند ۸ بیت و سه بند ۹ بیت):

چون ماتم حسین به ماه محرم است بر آسمان، هلال محرم علم کشید خود را چو عافیت به پناه عدم رسان چون بحر اضطراب به جوشست هردو کون نزدیک شد که فوت شود امر واجبی از بس که خلق، نعره و احسرتا زنند	هان نوحه کن که قافیه‌اش نیز ماتم است آشوب را نوید که دهرش مسلم است ای خوشدلی که وقت جهانگیری غم است... گویا که رستخیز قیامت همین دم است... از بس تزلزلی که در اولاد آدم است ترسم گره به رشته شکر خدا زنند
--	--

ج- مدح: منقبت امیرالمؤمنین (ع)، ۵ بند، با مجموع ۵۵ بیت؛ تعداد ابیات در بندهای مختلف متفاوت است. (یک بند ۹ بیت، دو بند ۱۱ بیت و دو بند ۱۲)؛ ص ۹۹:

السلام ای خاک راهت سمره عین الیقین مطلع صبح ارادت، مظهر روز ازل در ره مدحت سر اندیشه تا کردم قدم چون کنم بر صفحه هستی ثنایت را رقم منصب مداحیت میراث دارم از پدر چون چراغ دانش عالم، رسول الله بود	روشن از دود چراغت بزم عقل اولین نیر شام ابد یعنی امیرالمؤمنین شد رفیق راه فکرم فیض رب العالمین از صریر خامه می آید به گوشم آفرین بود مداح تو آدم در میان ماء و طین... شمع وصف بزم و ذات هم رسول الله بود
---	---

- دو قطعه ترجیع بند، بدین شرح:

الف- عارفانه: ۸ بند، مجموعاً ۵۴ بیت، ص ۱۲۶ (۶ بند ۷ بیتی و ۲ بند ۶ بیتی، بدون محاسبه بیت ترجیع: این ترجیع بند با پاره ای اختلافات و با یک بند بیشتر در جنگ شماره ۲۳۲۹ کتابخانه مجلس آمده است. با بیت ترجیع:

قربان محبت تو گـردم	گرد سر الفت تو گـردم
شبهای فراق بر سر آمد	خورشید مراد ما بر آمد
از گردش چرخ و بازی بخت	بازم مه نوز در در آمد
تا پرده ز ماه رخ برافکنند	خورشید ز ذره کمتر آمد...
یاری تو با من وفاکیش	از پایۀ مهر برتر آمد
	(قربان محبت تو گـردم / گرد سر الفت تو گـردم)

ب- مرثیه، رثای امام حسین (ع): پانزده بند، مجموعاً ۱۰۷ بیت، ص ۱۲۳ (سیزده بند هفت بیتی و دو بند هشت بیتی؛ بدون محاسبه بیت ترجیع:



یارا نه به رویش در دل باز توان کرد  
تا ساز کنم نغمه توحید خدا را  
زان باده که منسوخ کند دور فنا را  
صد چاک کند دست ملک جیب دعا را...  
آرم به گدایی در خویش، صفا را  
کان شعله در آغوش کشد باد صبا را...  
دیدیم درین بزم بسی شاه و گدا را  
یارا نه به رویش در دل باز توان کرد

کو محرم رازی که سخن ساز توان کرد  
ساقی به قدح ریز می وحدت ما را  
هان ساقی مردان خدا دور بگردان  
آن باده بیاور که گه یارب مستان  
آن باده توفیق که از فیض فروغش  
در بزم دلم باده برافروخت چراغی  
فریاد که یک باده کش راز ندیدیم  
کو محرم رازی که سخن ساز توان کرد

### ویژگیهای سبکی نسخه

طاهری بیشتر عمر خود را (که از میزان آن اطلاعی نیست) در قرن دهم زندگی کرده و تنها ده سال آخر زندگی خود را در سده یازدهم به سر برده است. با توجه به ویژگیهای بیانی و مختصات فکری میتوان طاهری را یکی از پیروان سبک عراقی دانست، از جمله: (شمیسا ۱۳۸۲: ۲۶۰)

«مقام معشوق پست نیست بلکه چنان والاست که قابل اشتباه با معبود است»:

کشیدم باده عشرت به یاد طاق ابرویت  
کین آفتاب عشق به عالم علم نداشت  
کشور خوبی کونین مسلم با اوست  
که به هفتاد و دو ملت همه پیمانہ زدند...

من آن رندم که در صبح ازل از جام مشتاقی  
دل بود مایل مه روی تو آن زمان  
منصب ناز، نکویان همه از وی دارند  
آخر آن قوم در عشق تو مستانه زدند

- «تفوق عشق بر عقل»:

سراپای دو عالم را چرا در زر نمی گیرد؟  
گل گلزار جنون بود که بر بار بماند  
نفی ارباب وفا اثبات نادانی بود  
دل از مسافر همه عالم خبر گرفت

اگر مفتی عقل از کیمیای ما خبر دارد  
رفت بر باد فنا، غنچه نشکفته عقل  
عیب مست عشق گو دیگر مکن مفتی عقل  
خوشر ز ملک عشق به ما کس نشان نداد

- «غلو و مبالغه»:

از قافله عشق کسی دور نمانده است  
المنه لله که مرا چرخ به کام است  
چراغ مجلس خورشید از نگاه من است

تا بدرقه راه محبت شده آهم  
از گردش آن چشم که افلاک به چرخ است  
از آن زمان که گذشتی ز پیش دیده من

اضطراب شعله از من زندگی گیرد به وام / منصب جان و دلم شد درد بی آرام دوست  
- ستایش شراب و بیخودی، حمله به زاهد و شیخ، رواج عرفان، غمگرای (نمونه‌ها در مضامین غزل آمده است).

طاهری سخن خود را فصیح میداند و معتقد است کدورتی بر دامان طبعش نیست؛ آنچه میگوید با تلقین همراه است و چو مردان سخن، دانسته میگوید؛ نواساز سخن در وقت خویش است؛ احوال خود را باز میگوید؛ زنج زن نیست و تاثیر شعرش از آن است که نتیجه صدق تجربه عاطفی است و احوال واقعی خود را بیان میکند:

نگردد تا کسی مجموعه‌ی حال / سخن را کی تواند گفت چون من (ق ۲۱/۵)  
اثر میبارد از گلزار نطقم / که آب راستی دادم به گلشن (ق ۲۲/۵)  
چنان از کذب پاک آمد کلامم / که از شوقش درد جان، جامه بر تن (ق ۲۳/۵)  
چو نطقم زخمه بر قانون زند چرخ / به داوود سخن گوید که تن زن (ق ۲۷/۵)

- یکی دیگر از ویژگیهای سبکی طاهری و برجستگی شعر او استعمال ترکیبات و تصویرهای زیبا و گاهی بدیع است؛ بعنوان نمونه برخی از آنها آورده میشود:

الف - چشم: می نگاه، شمشیر نگاه، زکات نگه، بازار نگاه، بهار نگاه، تیر نیمکش نظر، ساغر نگاه، ساقی چشم، توشه ره نگاه، ناوک چشم ملایک دوز و ...

سرنیفتاد ز شمشیر نگاهی در خون / هان حذر از ناوک چشم ملایک دوز ما  
چشمی که تیر نیمکش بگشود از شست نظر / شکرش بگویم تا ابدکز زخم جان کاری کند  
مست می ساغر نگاه تو باشد / هرچه بگوید دلم گناه ندارد

ب - محبت، عشق: نخل محبت، نهال محبت، قافله عشق، میکده عشق، منصب مهر و محبت، گلزار عشق، ساقی عشق، آتشکده عشق، همای عشق، خورشید عشق، آتشگاه عشق، خم عشق، بازار عشق ...

همای عشق بیا بر سرم فکن سایه / که پاره دل و اشک من آب و دانه توست  
خورشید عشق را خبری نیست از کسوف / هرگز رخ وبال ندیده است اخترم  
نیم نازش را به صدجان دوش در بازار عشق / او نمیداد و دلم زان بیشتر هم میخرد  
طاهری را نیست برگشتن ز آتشگاه عشق / هر که چون خضر از پی آب بقایی رفت رفت...

پ - جهان: کشتی جهان، سفال جهان، شاهد پرنای جهان، کشتی دو کون و ...  
ز خون مهر سفال جهان لبالب شد / چو غمزه تو نظر سوی آسمان انداخت  
داده است به ما دختر رز، پیر خرابات / با شاهد پرنای جهان عقد نیستیم

ت - شعله، آتش: اضطراب شعله، شعله حسن، شعله شوق، گل شعله، شعله گردون گداز  
داغداران، تیغ شعله... .

گو شمع، تیغ شعله بر گرد سر مگردان پروانه کی هراسد چون میل جان ندارد  
آن را که گل شعله بود بر سر دستار بر خس نشمارد گل گلزار ارم را  
ث - فلک، ماه، خورشیدو...: خدنگ مه نو، سنگ مه و خور، معموره افلاک، نه خم چرخ،  
خورشید آتشین ترکیب، کشتی مه، کشور هفت آسمان، ساغر خورشید، خرمن خورشید  
تابان، پنبه کواکب، زر خورشید و... .

گریزد در پس دیوار مغرب، ساقی مشرق چو در بزم جهان، گرمی میخواران شود پیدا  
گشتیم شناور چو به دریای خرابیات کشتی مه نو به سر چرخ شکستیم  
خانه ما ز متاع غم و اندوه پر است نیست جای زر خورشید به گنجینه ما  
ج - بیداد، جفا: سنگلاخ بیداد، دُرد ستم، مرهم الماس ستم، صیدگاه ستم، تیغ جفا، کعبه  
ستم و... .

بر هر دو جهان فخر کند روز قیامت رندی که به قربان سر تیغ جفا رفت  
صد شکر که در کشور بیداد محبت بگرفت دگر خیل بلا پیش و پس ما  
مباد بهره ور از طوف کعبه ستمش کسی که در بیداد او به مهر نرود...

چ - متفرقه: تیغ دعای سحری، منصور حقیقت، گلخن حسرت، نخل نعت، ساقی ناز، خدنگ  
غمزه، چین سکه، حقه دهن، شوق طاقت کش، طور وفا، شست دعا و... .

برای زر منه ای خواجه چین به پیشانی که چین سکه به روی درم نخواهد ماند  
اثر از ذوق کند سینه هدف چون عشاق تیر آه سحر از شست دعا بگشایند

دیدگاه هنری طاهری درغزل متکی بر تشبیه است، برخلاف قصیده که متکی بر استعاره  
است. تشبیه و استعاره مرده با درصد پایینتری بکار رفته است، نظیر: لب لعل، حقه دهان،  
لعل سخنگو، سیب ذفن، خوان عطا، شمشاد دلجو، باغ زندگی، تخم مهر، کوی عشق، دولت  
فقر و... آنچه زیبایی خاصی به اشعار وی میدهد، بهره‌گیری از ترکیبات خاص و صور خیال  
نسبتاً بدیعی است که بطور طبیعی در کلام وی بکار رفته است.

طاهری معماری است که اغلب مواد و مصالح را هنرمندانه بکار میگیرد تا اثری که  
می‌آفریند چشمها را خیره و دلها را تسخیر کند:

جمالت را بود آن خرمن حسن که نور آفتابش خوشه چین است ۲۰  
به کس یک جونداد از خرمن خورشید تابانش کند صرف جهان، گردون زکات حاصل ما را ۸۲

ماه من افکنند از چهره اگر برقع ناز مهر و مه را فلک از گوشه بام اندازد ۸۹

طاهری را چونان نقاشی می‌بینیم که با ابیات خود تصویری زنده و پویا، پر از حیات و حرکت خلق میکند. گاهی شعر او تابلویی است جاندار؛ تابلویی که نمودار هنرمندی اوست. با خواندن برخی اشعار او گویی کتاب مصوری را پیش رو داریم و شاهد تصاویر زیبا و جنبش کلمات هستیم؛ ذوق و تخیل ظریف شاعرانه و قدرت پیوند اندیشه و تخیل در اغلب ابیات وی هویدا است:

هر کس که نگاهش به تو بیدادگر افتاد	سرتا به قدم اشک شد از چشم تر افتاد ۴۶
زمانه تا که به عهد تو خواندش عابد	به کتف افکنند از شعله ، طیلسان آتش ۱۰۳
سایه بان زندگی، لرزان چو دیداز باد مرگ	خیمه آن سوتر زد از هستی، دل دانای من ۱۱۴
پای تا سر ز غصه بود گره	داشت صد حرف و خامش از گفتار ۱۱۷
باشد کفن دوزخیان، شعله آتش	بر قامت ما هرزه مدوزید کفن را ۷۸
بر علاج عبث عقل صبوری فرمای	دهن زخم نهان خنده زنان خواهد شد ۳۲

- بحث در تلمیحات یکی از مبانی سبک‌شناسی است. در عهد صفوی، غلبه فرهنگ شیعی و مذهبی جایی برای اشارات و تلقیهای اساطیری یا ملی نمیگذارد. به تبع آن در شعر طاهری تلمیحات یا مذهبی است: نوح، یوسف، خضر، مسیح... یا اشاره به عشاق و عارفان: مجنون، فرهاد، حلاج، شیخ صنعان و... کافی است این مساله را فقط در یک غزل طاهری مد نظر قرار دهیم؛ در غزل معروفش با مطلع: آن که دایم...

این همان شعله عشقست که مصحف میسوخست	شیخ صنعان چو ننگه بر رخ ترسا میکرد
یوسف از نسل کسی بود که آشوب نداشت	عصمتش این همه آزار زلیخا میکرد
جرات نوح برون برد ز طوفان، کشتی	جان نمیبرد گر اندیشه ز دریا میکرد
این همان وادی عشقست که هر لحظه فلک	بهر مجنون، ستم تازه مهیا میکرد
نگهش دوش به من زهر هلاهل میداد	وز تلافی سخنش کار مسیحا میکرد

- قالب مسلط این دوره غزل است و دیوان طاهری نیز دلیل بر این مدعاست. برجستگی خاص غزلهای وی آن است که اکثر آنها را به اقتباس از حافظ سروده است. پیروی طاهری از حافظ در زمینه‌های ذیل است:

۱. وزن و قافیه؛ واژه‌های قافیه که تقریباً پنجاه درصد مشترک است.
۲. استعمال محبوب‌ترین وزن حافظ در بالاترین درصد: فعلاتن فعلاتن فعلمن.
۳. واژه‌های کلیدی: طاهری در غزلهای خود به تبع حافظ یک سری واژگانی کلیدی دارد که بسامد آنها بالاست. چهره‌های مثبت با عناوین: رند، پیر مغان، پیر خرابات، مغبچه و...

شخصیتی است معادل پیر مغان حافظ، انسان کامل؛ با خصوصیات نظیر: بی نام و نشان بودن، داشتن همت والا، قانع، مستغنی، بی اعتنا به جاه و جلال دنیوی، خراباتی و بری از غرور، یکرنگ، اهل ذوق و حال، ... .

همچنان چرخ به کام دل ما خواهد گشت در جهان تا اثر از پیر مغان خواهد بود (ص ۴۱)  
 فرمان بر جاروب کش دیر مغان است آن رند که فرمان بر دیوان قضا نیست (ص ۹)  
 همینش بس گدای کوی رندان خراباتی که خود را همچو زاهد از همه بهتر نمیگیرد (ص ۴۶)  
 رندی که قوت پا بر باد داده باشد راه فلک کند طی گر عشق رهبر آید (ص ۵۳)

- چهره‌های منفی با عناوین: مفتی (خرد، مدرسه، دین، عقل)، شیخ (سالوس، خانقاه)، واعظ، زاهد، بوالهوس، مدرسه داران (اهل مدرسه، مفتی مدرسه، فقیه مدرسه): این چهره‌ها در مجموع به یک چهره و شخصیت ختم میشود: فکرش متوجه رساله است نه عمل؛ از عاشقان و باده فروشان غافل است؛ مروت ندارد؛ از کیمیای عاشقان بیخبر است؛ غرق در جهل است؛ محرم اسرار نیست؛ درونش پاک و خالی از خود نیست؛ می وحدت ننوشیده؛ چون قرین دروغ و دغل است، سخنانش سوز و تاثیر ندارد؛ بصیرتی ندارد؛ اهل قیل و قال است نه حال و... البته معلوم است که واژه‌ها همان است اما مصداق‌ها متفاوت است و مابیه ازای دیگری دارند.

چو دیدم شیخ و واعظ را قوی ترکیب دانستم که مال وقف فربه میکند روزی حرامان را (ص ۸۹)  
 زاگر از زرق و سالوسی نگوید از کجا گوید که شیخ خانقاه از نقد دانایی همین دارد (ص ۷۷)  
 زاهد که نیفتاد نگاهش به رخ دوست محرومیش از رهگذر بی بصری بود (ص ۳۳)

۴. تقدس بخشیدن به خرابات؛ ارج نهادن به صفای خراباتیان و مذموم شمردن ریای اهل مسجد.

۵. پرداختن به برخی از وجوه نظام زیبایی شناسی حافظ نظیر: چند صدایی کردن غزل، طنز و انتقاد اجتماعی و ایجاد پارادوکس (خیلی خفیف):

ما گشودیم ز اخلاص در بتکده را زاهدان گر در مسجد ز ریا بگشایند (ص ۶۴)  
 قیل و قالی که من از مدرسه داران دیدم شدیقینم که در این طایفه عصمت نبود (ص ۳۵)  
 گره گشایی کار دلم ز عالم غیب است مگر فقیه خرد کارش از رساله برآید (ص ۶۵)

به عنوان نمونه فقط یک غزل طاهری که آن را به استقبال غزل خواجه راز، حافظ سروده، آورده میشود:

۱. هرکس که نگاهش به تو بیدادگر افتاد سرتا به قدم اشک شد از چشم تر افتاد (ص ۴۱)  
 کردند جدل بر سرش الماس فروشان هر دانه اشکی که مرا از نظر افتاد

۳. هرکس که مرا دید گرفتار بلا شد  
 از یک نگه دور تو ای غیرت خوبی  
 محروم شد از تربیت فیض الهی  
 ۶. جز واله دیدار نبیند رخ فردوس  
 بستند لب از شکوه بیداد، اسیران  
 بازم شب هجران ز بقا دور نشانید  
 ۹. آنی به ملاحظت تو که از غایت تعظیم  
 ای طاهری آفاق پر از نور تجلی است  
 به اقتباس از غزل با مطلع:

پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد      وان راز که در دل بنهفتم بدر افتاد (۱۸۴)  
 از بررسی اکثر اشعار طاهری که به اقتضای حافظ سروده معلوم میشود که این شاعر عهد  
 صفوی به خواجه عنایت خاصی داشته و از نظام شعری خاص حافظ به چند  
 صدایی، پارادوکس، پرداختن به نقد اجتماعی و طنز توجه داشته و بدانها پرداخته است  
 با وجود آن که غزل طاهری به تقلید از عوامل موسیقایی حافظ سروده شده؛ یعنی  
 وزن، قافیه و حتی برخی حروف قافیه یکسان است، در هر صورت اقتباس از حافظ، موجب  
 دورافتادن طاهری از خط سیر فکری و نظام بلاغی وی نمیشود. چه بسا که وزن و قافیه و  
 حتی تمام واژه‌های قافیه را از خواجه میگیرد، اما سخن او هیچ مشابهتی با حافظ ندارد؛ انگار  
 وزن و قافیه برای او ظرفی است تا مظروف خود؛ یعنی احساس و اندیشه و جمال هنری خود  
 را در آن بگنجاند. همین امر سبب شده تا اشعار او از تقلید صرف خارج شود؛ چه اگر صرفاً  
 قصد پیروی از حافظ را داشت تصنعی بودن شعرش، دلزدگی خواننده را دربر داشت، اما  
 طاهری استقلال خود را در اکثر اشعار اقتباس شده به اثبات رسانیده و زیبایی و دلنشینی  
 اشعار وی دال بر همین امر است. غزل مذکور زیبایی و دلنشینی خاص خود را دارد. ابیات  
 ۱ و ۴ و ۹ آنچنان درخشان است که بوی تقلید از آن شنیده نمیشود.

### نتیجه

ملا طاهر نایینی در روزگار شاه عباس اول عمر خود را به سر برده، و شاعر برجسته‌ای است.  
 روانی و زیبایی کلام و چگونگی بیان، ارائه تصاویر زیبا و نسبتاً بدیع با ترکیب صورخیال،  
 آفرینش ترکیبات، تشبیهات و استعاره‌های دلنشین، استعمال ترکیبات زیبا، ذوق و تخیل  
 ظریف شاعرانه و قدرت پیوند اندیشه و تخیل او را شاعری برجسته ساخته؛ برجسته در حد

خود طاهری و در عهد صفوی. با توجه به عصر شاعر و وضعیت شعر در عصر صفوی، زبان شعر طاهری در حد خود او قابل توجه و از سلامت نسبی برخوردار است. بالغ بر هفتاد درصد غزلهای خود را به اقتباس و اقتفای حافظ سروده است. بیشترین وزن به کار رفته در غزل طاهری، وزن مطلوب و دلخواه حافظ است؛ یعنی: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فععلن.

وی به تقلید از حافظ برخی لغات و ترکیبات کلیدی دارد نظیر: شیخ، واعظ، زاهد، پیر معان، رند و ... البته معلوم است که واژه‌ها همان است اما مصداقها متفاوت است و مابه ازای دیگری دارند.

تصحیح و چاپ نسخه خطی منحصر بفرد این شاعر، توسط نویسندگان این مقاله بعنوان رساله دکتری در حال انجام است.

#### منابع

۱. آتشکده آذر، آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۳۷)، مقدمه و فهرست و تعلیقات: سید جعفر شهیدی تهران، نشر کتاب.
۲. آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب (فارسی و عربی)، فدایی، غلامرضا (۱۳۸۶)؛ تهران، سمت.
۳. اثر آفرینان، زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی)، نصیری، محمدرضا، ج ۴، دانشگاه تهران.
۴. تذکره روز روشن، صبا، مولوی محمد مظفر حسین؛ تصحیح و تحشیه: محمدحسین رکن زاده آدمیت، تهران، کتابخانه رازی.
۵. تذکره سخنوران نایین، بقایی نایینی، جلال (۱۳۶۱)، تهران، فرهنگ ایران زمین.
۶. تذکره سخنوران یزد (شامل تذکره‌های شعرای متقدمین و معاصرین یزد و نایین و جندق)، خاضع، اردشیر، (۱۳۴۱)؛ ج ۱، کتابفروشی خاضع.
۷. تذکره شمع انجمن، نواب صدیق، حسن خان، (۱۳۸۶)؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد کاظم کهدوئی، دانشگاه یزد.
۸. تذکره نصرآبادی، نصرآبادی، میرزا محمد طاهر؛ تصحیح: وحید دستگردی، فروغی.
۹. حدیقه الشعرا، دیوان بیگی شیرازی، سید احمد، (۱۳۶۵)؛ تصحیح، تکمیل و تحشیه: عبدالحسین نوایی، تهران، زرین.

۱۰. خلاصه تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران (از آغاز تا پایان عهد صفوی)، صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۵۶)؛ تهران، امیرکبیر.
۱۱. دیوان حافظ، حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد؛ (۱۳۶۲)، تحقیق محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، زوار.
۱۲. سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)؛ تهران، فردوس.
۱۳. سفینه خوشگو، بندر ابن داس (۱۳۸۹)؛ تصحیح: کلیم اصغر، با همکاری و ویراستاری علمی: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دفتر دوم.
۱۴. طبقات اعلام الشیعه، تهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۳۷۲)؛ دانشگاه تهران.
۱۵. فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما (۱۳۷۱)، تهران، مروارید.
۱۶. فرهنگ سخنوران، خیام پور، عبدالرسول (۱۳۴۰)، تبریز، کتاب آذربایجان.
۱۷. فهرست کتابخانه ملی تبریز، سید یونسی، میروود (۱۳۵۴)؛ تبریز، شفق.
۱۸. لغت نامه، دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵-۱۳۵۲)؛ ج ۳۳، تهران، سازمان لغت نامه دهخدا.
۱۹. منتخب اللطایف، ایمان، رحم علیخان (۱۳۴۹)؛ به اهتمام: سید محمدرضا جلالی نایینی و سید امیر حسن عابدی، تابان.
۲۰. نتایج الافکار، گوپاموی، محمد قدرت الله (۱۳۸۷)، تصحیح: یوسف بیگ باباپور، قم، مجمع ذخایر اسلامی.